



دکتر حامد زینلی

معاون امور کمیسیون های مجمع مشورتی نظام مسائل کشور

“جنگ ناتمام؛ ابعاد چندلایه مخفی!! چرا جنگ ۱۲ روزه آغاز ماجراست؟

این جنگ را می توان از منظرهای مختلفی تحلیل کرد:

۱. بعد نظامی: آزمایش توان دفاعی و آفندی دو کشور با استفاده از پیشرفته ترین فناوری های موشکی، پهپادی و سایبری
۲. بعد سیاسی: تقابل دو گفتمان مقاومت و اشغال گری در منطقه
۳. بعد اقتصادی: تأثیرات مخرب بر اقتصاد دو کشور و بازارهای جهانی انرژی
۴. بعد اجتماعی: واکنش های متفاوت افکار عمومی و جامعه مدنی در دو کشور

سوالات محوری تحقیق

این تحلیل به دنبال پاسخگویی به پرسش های کلیدی زیر است:

- دلایل واقعی شروع جنگ و نقش بازیگران خارجی مانند آمریکا در تشدید بحران چیست؟
- نقاط قوت و ضعف راهبردهای دفاعی و امنیتی ایران چه بود؟
- تأثیر این جنگ بر معادلات منطقه ای و جهانی چگونه قابل ارزیابی است؟
- درس های اصلی این جنگ برای سیاست گذاران و استراتژیست های نظامی چیست؟

روش شناسی تحقیق

این تحلیل با استفاده از:

- داده های میدانی از صحنه های درگیری
- گزارش های رسمی نهادهای نظامی دو کشور
- تحلیل های کارشناسان مستقل بین المللی
- اسناد و مدارک منتشر شده توسط رسانه های معتبر جهانی تهیه شده است

مقاله حاضر در شش بخش اصلی تنظیم شده است:

۱. زمینه‌ها و دلایل شروع جنگ
۲. راهبردهای نظامی دو طرف
۳. تأثیرات منطقه‌ای و بین‌المللی
۴. واکنش‌های داخلی و مدیریت بحران
۵. پیامدهای اقتصادی و اجتماعی
۶. درس‌ها و چشم‌انداز آینده

مقدمه: جنگ دوازده‌روزه ایران و اسرائیل - آزمونی تاریخی در ژئوپلیتیک مقاومت

در سپیده دم بیست و سوم خرداد ۱۴۰۴، آسمان خاورمیانه شاهد طلوع خونی بود که توازن قدرت در منطقه را برای همیشه دگرگون ساخت. جنگ دوازده‌روزه ایران و اسرائیل، نه یک درگیری مرسوم نظامی، بلکه تجلی گفتمان مقاومت در برابر پروژه هژمونی صهیونیستی بود. این رویداد سرنوشت ساز، تمام معادلات کارشناسی شده دستگاه‌های امنیتی غرب را به چالش کشید و نقشه راه جدیدی برای تحولات آینده منطقه ترسیم نمود.

آنچه این رویارویی را از سایر منازعات منطقه متمایز می‌ساخت، ماهیت چندبعدی و پیچیده آن بود. از یک سو، اسرائیل با تکیه بر پشتیبانی بی‌قید و شرط قدرت‌های غربی و استفاده از اطلاعات حساس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، حمله‌ای حساب شده را تدارک دیده بود. از سوی دیگر، ایران با بهره‌گیری از تجربیات چند دهه مقاومت در برابر تحریم‌ها و تهدیدات، پاسخی درخور به این تجاوز داد که در حافظه تاریخی ملت‌های منطقه ثبت شد.

در این میان، آنچه بیش از هر چیز چشمگیر بود، ظهور یک الگوی جدید دفاعی بود که توانست تئوری‌های مرسوم جنگ‌افروزان را به چالش بکشد. مقاومت هوشمندانه مردم ایران در کنار ابتکارات خلاقانه نیروهای مسلح، تصویری جدید از امنیت ملی در جهان اسلام ارائه داد که بر سه پایه استوار بود: خوداتکایی فناورانه، وحدت ملی و عمق استراتژیک منطقه‌ای.

این نوشتار در پی آن است تا با کنکاشی عمیق و منصفانه، لایه‌های پنهان این رویارویی تاریخی را واکاوی نماید. از زمینه‌های شروع جنگ تا پیامدهای استراتژیک آن، از نقش بازیگران منطقه‌ای تا واکنش جامعه بین‌المللی، و از درس‌های امنیتی گرفته تا دستاوردهای سیاسی این مقاومت دوازده روزه، همگی موضوعاتی هستند که در ادامه این تحلیل جامع به تفصیل مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

در حقیقت، جنگ دوازده‌روزه ایران و اسرائیل را باید نقطه عطفی در تاریخ معاصر منطقه دانست که نه تنها موازنه قوا را تغییر داد، بلکه گفتمان جدیدی در روابط بین‌الملل ایجاد نمود؛ گفتمانی که در آن، اراده ملت‌های مستقل می‌تواند در برابر زورگویی ابرقدرت‌ها قد علم کند و معادلات از پیش نوشته شده را دگرگون سازد.

زمینه‌ها و دلایل شروع جنگ دوازده‌روزه ایران و اسرائیل: تحلیل ریشه‌های یک رویارویی اجتناب‌ناپذیر

جنگ دوازده روزه ایران و اسرائیل در خرداد ۱۴۰۴ حاصل انباشت چندین دهه تنش های استراتژیک در منطقه بود که در بستر تحولات خاص آن مقطع زمانی به نقطه انفجار رسید. برای درک کامل دلایل این رویارویی، باید به لایه های مختلف این بحران توجه کرد:

۱. زمینه های تاریخی و استراتژیک:

- ریشه های تنش به تأسیس رژیم صهیونیستی در ۱۹۴۸ بازمی گردد، اما نقطه عطف در روابط ایران و اسرائیل به پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر گفتمان ایران نسبت به مسئله فلسطین مربوط می شود.
- اسرائیل که همواره ایران را به عنوان تهدید وجودی می دید، پس از موفقیت های ایران در عراق، سوریه و یمن، احساس محاصره استراتژیک می کرد.
- برنامه هسته ای صلح آمیز ایران به عنوان بهانه ای برای تشدید تنش ها مورد استفاده قرار گرفت.

۲. تحولات فناورانه و نظامی:

- پیشرفت های چشمگیر ایران در حوزه موشکی و پهپادی طی دهه ۱۴۰۰، معادلات امنیتی اسرائیل را به هم ریخته بود.
- توسعه سامانه های پدافندی پیشرفته ایران مانند "باور-۳۷۳" و "خورشید"، توان بازدارندگی ایران را به سطح بی سابقه ای رسانده بود.
- اسرائیل با درک این که پنجره فرصت برای ضربه زدن به ایران در حال بسته شدن است، به سمت اقدام نظامی پیشدستانه گرایش یافت.

۳. تحولات سیاسی و دیپلماتیک:

- بن بست مذاکرات احیای برجام در سال های ۱۴۰۱-۱۴۰۳ و تشدید تحریم ها علیه ایران
- تغییر موازنه قدرت در منطقه به نفع محور مقاومت پس از پیروزی های در عراق و سوریه
- فشار داخلی بر دولت اسرائیل برای اقدام قاطع علیه ایران
- تلاش آمریکا برای منحرف کردن توجه از بحران های داخلی خود با ایجاد بحران خارجی

۴. عوامل محرک مستقیم:

- ترورهای هدفمند دانشمندان هسته ای ایران در سال های ۱۴۰۰-۱۴۰۳ که به افزایش تنش ها انجامید
- گزارش های جهت دار آژانس بین المللی انرژی اتمی که اطلاعات حساس ایران را در اختیار اسرائیل قرار داد
- تشدید عملیات های سایبری دو طرف علیه تأسیسات حیاتی یکدیگر
- تحریک های رسانه ای و جنگ روانی گسترده از سوی رسانه های وابسته به اسرائیل

۵. محاسبات اشتباه اسرائیل:

- ارزیابی نادرست از میزان انسجام ملی ایران
- دست کم گرفتن توان بازدارندگی موشکی ایران
- تصور غلط درباره تأثیر تحریم ها بر توان دفاعی ایران

- پیش‌بینی نادرست از واکنش کشورهای منطقه

۶. نقش بازیگران خارجی:

- حمایت بی‌قید و شرط آمریکا از اسرائیل و تشویق به اقدام نظامی

- سکوت معنادار قدرت‌های اروپایی در برابر تحریک‌های اسرائیل

- نقش واسطه‌گری برخی کشورهای منطقه که نتوانستند از وقوع جنگ جلوگیری کنند

در مجموع، جنگ دوازده‌روزه محصول ترکیب این عوامل بود که در شرایط خاص آن مقطع تاریخی به نقطه بحرانی رسید. اسرائیل با این محاسبه که می‌تواند با یک ضربه سریع و قاطع، توان دفاعی ایران را نابود کند، محاسبه‌اشتباهی انجام داد که نتایج آن نه تنها معادلات منطقه‌ای، بلکه موازنه جهانی قدرت را تحت تأثیر قرار داد.

تحلیل اقدامات دستگاه‌های امنیتی خارجی و مقابله ایران

۱. فعالیت‌های پیش از جنگ توسط سرویس‌های خارجی

۱- "نفوذ اطلاعاتی و سایبری":

- اسرائیل با استفاده از "واحد ۸۲۰۰" موساد و همکاری سیا، شبکه‌های جاسوسی گسترده‌ای در ایران ایجاد کرده بود. این شبکه‌ها از طریق "شنود ارتباطات نظامی"، "ردیابی چهره‌های امنیتی" و "هدایت پهپادها" برای شناسایی نقاط ضعف پدافندی ایران استفاده می‌کردند.

- حملات سایبری به سامانه‌های پدافندی ایران از ماه‌ها قبل آغاز شده بود. گروه‌هایی مانند "Predatory Sparrow" (وابسته به موساد) بانک‌ها و صرافی‌های ایرانی را هدف قرار دادند تا زیرساخت‌های مالی ایران را مختل کنند.

۲- "جذب عوامل نفوذی":

- موساد از "اتباع غیرقانونی" (مانند پناهنده‌های افغان و عراقی) و "گروه‌های مخالف داخلی" برای جمع‌آوری اطلاعات و انجام عملیات خرابکارانه استفاده می‌کرد. این افراد در قالب شبکه‌های قاچاق اسلحه و تجهیزات ارتباطی فعالیت داشتند.

- برخی از این عوامل در "مراکز حساس نظامی و هسته‌ای" نفوذ کرده بودند و اطلاعات مربوط به محل استقرار فرماندهان و تأسیسات را در اختیار موساد قرار دادند.

۳- استفاده از اطلاعات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی:

- گزارش‌های آژانس به اسرائیل کمک کرد تا "سایت‌های هسته‌ای ایران" را با دقت هدف قرار دهد. این اطلاعات شامل نقشه‌های دقیق تأسیسات نطنز و فردو بود.

۲. اقدامات مقابله‌ای ایران

۱- خنثی‌سازی شبکه‌های جاسوسان:

- وزارت اطلاعات و سپاه در عملیاتی گسترده "۷۰۰ جاسوس" (شامل عوامل داخلی و خارجی) را دستگیر کردند. اعترافات این افراد منجر به تشکیل "بزرگترین بانک اطلاعاتی ضدجاسوسی" ایران شد.

- نیروهای امنیتی ایران موفق شدند "باتری‌های آلوده" در سامانه‌های پدافندی را شناسایی و حذف کنند، که عامل اصلی هک اولیه این سیستم‌ها بود .

۲- جنگ سایبری و الکترونیک:

- ایران با استفاده از "گروه‌های هکری مانند Handala Hack"، زیرساخت‌های اسرائیل از جمله پایگاه‌های نظامی و سیستم‌های بانکی را هدف قرار داد .
- "فرماندهی پدافند سایبری سپاه" (IRGC Cyber Command) با ایجاد دیواره آتش، ۸۷٪ حملات سایبری دشمن را دفع کرد .

۳- ارتقای سیستم‌های شناسایی:

- ایران از "ماهواره‌های شناسایی" و "پهپادهای SIGINT" برای ردیابی تحرکات دشمن استفاده کرد. هرچند تحلیل داده‌ها هنوز به‌صورت دستی انجام می‌شد و نیاز به هوش مصنوعی برای پردازش سریع‌تر احساس می‌شد .

۴- مقابله با عملیات ترور:

- پس از ترور چند فرمانده نظامی در روزهای اول جنگ، ایران "حفاظت از شخصیت‌های کلیدی" را افزایش داد و با اجرای عملیات‌های پیشگیرانه، چندین تیم تروریستی را در مرزها متلاشی کرد .

۳. نقاط ضعف و درس‌های آموخته شده

- ضعف در سیستم‌های پیش‌آگاهی:

ایران نتوانست حملات اولیه را پیش‌بینی کند، زیرا "داده‌های اطلاعاتی پراکنده" بودند و سیستم یکپارچه‌ای برای تحلیل لحظه‌ای وجود نداشت .

- وابستگی به نیروی انسانی:

برخلاف اسرائیل که از "هوش مصنوعی" (مثل سیستم Starlight ۸۹۹۴-ELS) برای ادغام داده‌ها استفاده می‌کرد، ایران هنوز به تحلیل‌های دستی متکی بود .

- نفوذ از طریق قاچاق:

موساد از شبکه‌های قاچاق در مرزهای غربی برای انتقال تجهیزات جاسوسی استفاده کرد. این موضوع نشان داد که کنترل مرزها نیاز به بازنگری دارد .

این تجربه ثابت کرد که "جنگ آینده، جنگ اطلاعات و سایبر است" و ایران باید برای این نبرد نامرئی آماده باشد.

راهبردهای نظامی و عملیاتی دو طرف

جنگ دوازده روزه ایران و اسرائیل ، صحنه بروز و آزمون پیشرفته‌ترین راهبردهای نظامی و فناوری‌های دفاعی در منطقه خاورمیانه بود. این نبرد که با حمله غافلگیرانه اسرائیل آغاز شد، به آزمایشگاهی زنده برای سنجش توانایی‌های واقعی دو طرف تبدیل گردید.

۱. تحلیل راهبردهای کلان نظامی

۱- راهبرد دفاعی-تهاجمی ایران:

- ایران در این جنگ از دکترین "دفاع در عمق" با ویژگی‌های منحصر به فردی استفاده نمود:
- بازدارندگی تهاجمی: ایران با ایجاد زنجیره‌ای از تهدیدات متقابل، تلاش کرد هزینه هرگونه حمله را برای اسرائیل به سطح غیرقابل قبولی برساند. این استراتژی مبتنی بر توان موشکی بلندبرد و پهپادی پیشرفته بود.
- جنگ فرسایشی: راهبرد ایران بر این اصل استوار بود که بتواند در صورت تداوم درگیری، با حفظ توان دفاعی و افزایش تدریجی فشار بر دشمن، به پیروزی استراتژیک دست یابد.
- فناوری‌های نامتقارن: به دلیل محدودیت‌های موجود در نیروی هوایی، ایران بر توسعه توانمندی‌های موشکی، پهپادی و سایبری تمرکز ویژه‌ای داشت.

۲- راهبرد تهاجمی اسرائیل:

- اسرائیل با ترکیبی از راهبردهای نوین به میدان آمد:
- ضربه پیشدستانه: هدف اصلی نابودی مراکز حیاتی هسته‌ای و نظامی ایران در کوتاه‌ترین زمان ممکن بود.
- جنگ ترکیبی: استفاده همزمان از توان سایبری، عملیات ویژه و حملات متعارف برای ایجاد غافلگیری استراتژیک.
- برتری هوایی: بهره‌گیری از ناوگان پیشرفته هوایی و فناوری‌های دوکاربرده برای ضربه‌زنی دقیق.

۲. بررسی توان‌های دفاعی و آفندی

۱- فناوری‌های موشکی ایران:

- موشک خرمشهر: این موشک با سرجنگی ۲ تنی و سیستم هدایت پیشرفته، قابلیت اصابت همزمان به ده‌ها هدف را دارا بود.
- موشک‌های حاج قاسم و خیبرشکن: با برد عملیاتی ۱۴۰۰ تا ۲۰۰۰ کیلومتر، امکان هدف قرار دادن تمامی نقاط استراتژیک اسرائیل را فراهم می‌کردند.
- سیستم هدایت میانی: فناوری که امکان اختلال در هدایت موشک‌ها توسط سیستم‌های جنگ الکترونیک دشمن را به حداقل می‌رساند.

۲- توان پهپادی ایران:

- پهپاد شاهین: با قابلیت‌های منحصر به فرد استتار و عملیات خودمختار، یکی از سلاح‌های استراتژیک ایران محسوب می‌شد.
- پهپادهای SIGINT: این پهپادهای پیشرفته اطلاعاتی، نقش حیاتی در جمع‌آوری اطلاعات و شنود ارتباطات دشمن ایفا کردند.

۳. عملیات آغازین و ترورهای هدفمند

۱- عملیات "طلوع شیران":

- حمله سه‌جانبه اسرائیل در بامداد ۲۳ خرداد شامل:
- هدف قرار دادن مراکز هسته‌ای نطنز و فردو

- حمله به پایگاه‌های نظامی کلیدی
- اختلال در سیستم‌های ناوبری و ارتباطی

۲- عملیات نارنیا (ترور دانشمندان):

- ترور ۹ دانشمند برجسته هسته‌ای در تهران و اصفهان
- استفاده از پهپادهای کوچک و هدفمند برای ترور فرماندهان
- به کارگیری عوامل نفوذی برای شناسایی دقیق اهداف

۴. هک سیستم‌های حیاتی و پاسخ ایران

۱- نقاط ضعف و آسیب‌پذیری‌ها:

- نفوذ به سامانه‌های باور-۳۷۳ از طریق باتری‌های آلوده
- اختلال در شبکه‌های فرماندهی و کنترل
- وابستگی به سیستم‌های قدیمی در برخی بخش‌ها

۲- اقدامات اصلاحی ایران:

- فعال‌سازی شبکه پشتیبان ارتباطی در مدت زمان کوتاه
- بهره‌گیری از سامانه‌های جدید برای مقابله با جنگ الکترونیک
- استقرار سیستم‌های پدافند نقطه متحرک

تأثیرات منطقه‌ای و بین‌المللی

جنگ دوازده روزه، نه تنها یک رویارویی نظامی، بلکه صحنه بروز تحولات ژئوپلیتیک عمیقی در منطقه خاورمیانه بود. این جنگ در حقیقت آزمونی برای سنجش میزان نفوذ و تأثیرگذاری دو گفتمان مسلط در منطقه - مقاومت و اشغالگری - محسوب می‌شد.

در طول این درگیری، جهان شاهد بود که چگونه موازنه قوا در خاورمیانه دستخوش تغییرات اساسی شد. کشورهای عربی که تا پیش از این برخی از آنها به دنبال عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی بودند، ناگهان با واقعیت تلخی مواجه شدند. تصاویر حملات بی‌دلیل و بی‌امان اسرائیل به شهروندان غیرنظامی و تأسیسات حیاتی ایران، چهره واقعی این رژیم را بیش از پیش برای ملت‌های منطقه آشکار ساخت.

ترکیه به عنوان یکی از بازیگران کلیدی منطقه، پس از مشاهده گستاخی‌های اسرائیل، موضعی بی‌سابقه اتخاذ کرد. آنکارا که پیش از این روابط اقتصادی با تل‌آویو داشت، ناگهان خود را در مقابل خطری مشابه دید. تحلیلگران سیاسی در استانبول هشدار دادند که پس از ایران، نوبت به ترکیه و سایر کشورهای منطقه خواهد رسید. این نگرانی به حدی بود که برخی محافل سیاسی ترکیه خواستار بازنگری کامل در استراتژی امنیت ملی این کشور شدند.

در میان کشورهای عربی، قطر و عمان پیشگام محکومیت تجاوزات اسرائیل بودند. دوحه که میزبان بخشی از پایگاه‌های نظامی آمریکا است، در در این اقدام قابل توجه، و این حرکت نمادین نشان‌داد تغییر نگرش حتی در میان متحدان سنتی آمریکا در منطقه بوجود آمده است.

عربستان سعودی و امارات متحده عربی اگرچه در ظاهر موضعی محتاطانه اتخاذ کردند، اما در عمل شاهد کاهش چشمگیر همکاری‌های امنیتی خود با اسرائیل بودند. منابع آگاه از کاهش قابل توجه ملاقات‌های مقامات امنیتی این کشورها با هم‌تایان اسرائیلی‌شان خبر دادند. این تغییر رفتار نشان‌دهنده ترس عمیق ریاض و ابوظبی از تبدیل شدن به اهداف بعدی توسعه‌طلبی صهیونیستی بود.

در سطح بین‌المللی، واکنش قدرت‌های بزرگ به این جنگ بسیار قابل تأمل بود. آمریکا با وجود ادعای حمایت از حقوق بشر، بار دیگر از جنایات اسرائیل حمایت بی‌قید و شرط کرد. این دوگانگی رفتاری واشنگتن، آخرین میخ را بر تابوت اعتبار این کشور به عنوان حامی صلح در منطقه کوبید.

در مقابل، روسیه و چین با اتخاذ مواضعی متعادل‌تر، کوشیدند خود را به عنوان قدرت‌های بی‌طرف و معتدل معرفی کنند. مسکو و پکن با انتقاد از نقض حقوق بین‌الملل توسط اسرائیل، در عمل نشان دادند که می‌توانند نقش سازنده‌تری در بحران‌های منطقه ایفا کنند.

اتحادیه اروپا در این میان ضعیف‌ترین عملکرد را داشت. بروکسل با صدور بیانیه‌های کلی و بی‌محتوا، تنها به ابراز "نگرانی" بسنده کرد و از هرگونه اقدام عملی خودداری نمود. این رفتار منفعلانه به خوبی نشان داد که اروپا دیگر توانایی ایفای نقش مستقل در بحران‌های منطقه‌ای را ندارد.

پیامدهای این جنگ برای معادلات منطقه‌ای بسیار عمیق بود. شاهد شکل‌گیری نوعی همگرایی جدید میان کشورهای منطقه علیه تهدیدات مشترک بودیم. بسیاری از تحلیلگران معتقدند این جنگ سرآغاز فصل جدیدی در روابط بین‌کشورهای اسلامی بوده است. جنگی که نه تنها موازنه نظامی، بلکه ترتیبات سیاسی منطقه را نیز دگرگون ساخت.

باید گفت که جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل به مثابه زلزله‌ای سیاسی در خاورمیانه عمل کرد. زلزله‌ای که خطوط گسل پنهان در روابط منطقه‌ای را آشکار ساخت و نشان داد که امنیت واقعی تنها از طریق مقاومت جمعی در برابر زیاده‌خواهی‌های رژیم صهیونیستی قابل دستیابی است. این جنگ به وضوح ثابت کرد که سازش با اشغالگران نه تنها امنیت به ارمغان نمی‌آورد، بلکه زمینه را برای تجاوزهای بعدی نیز فراهم می‌کند.

تحلیل عمیق مدیریت بحران داخلی و نقش محوری مردم و رسانه‌ها

۱- واکنش سریع و سازماندهی شده نهادهای امدادی و درمانی

در ساعات اولیه حملات اسرائیل، سیستم مدیریت بحران ایران با فعال‌سازی وارد فاز عملیاتی شد.

۱- سازمان هلال احمر در یک عملیات گسترده، تمامی پایگاه‌های استانی خود را به حالت آماده‌باش کامل درآورد. نکته قابل توجه، بسیج ۱۲۵ تیم امداد تخصصی بود و توانستند در کمتر از ۶ ساعت اولیه، با کنترل هیجانات عمومی و در سکوت کامل خدمات چشم‌گیری را به آسیب‌دیدگان ارائه دهند.

در بخش درمانی، دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور "طرح طبقه‌بندی مصدومان" را اجرا کردند که بر اساس آن:

۱. مصدومان با جراحات سطح یک به درمانگاه‌های محلی
۲. مصدومان با جراحات متوسط به بیمارستان‌های عمومی
۳. مصدومان با جراحات شدید به مراکز درمانی تخصصی ارجاع داده می‌شدند. این سیستم طبقه‌بندی باعث شد ظرفیت بیمارستان‌ها بهینه‌سازی شود.

الگوی منحصر به فرد مدیریت بحران شهری

شهرداری تهران با اجرای "طرح پدافند غیرعامل شهری"، اقدامات بی‌سابقه‌ای انجام داد:

- تبدیل خطوط مترو به پناهگاه‌های امن با قابلیت اسکان ۳۰۰۰ نفر در هر ایستگاه
- اسکان افراد آسیب دیده و تامین نیازهای اولیه از جمله غذای گرم و...

مردم؛ ستون فقرات مقاومت ملی

واکنش جامعه ایرانی به این بحران، تبدیل به الگویی برای مدیریت مردمی بحران‌ها شد. در محله‌ها، "خانه‌های مقاومت" به عنوان

هسته‌های مردمی مدیریت بحران شکل گرفت که هر یک شامل:

- همکاری منسجم با تیم‌های امدادی و امنیتی
- در اختیار دادن امکانات شخصی به افراد آسیب دیده
- تلاش حضور خود جوش در محل‌های مورد اصابت و حمله جهت کمک‌رسانی.

- ایجاد کمپین اهدای خون که به یک حرکت نمادین ملی تبدیل شد. جالب اینکه ۳۵ درصد داوطلبان را جوانان ۱۸ تا ۲۵ سال تشکیل می‌دادند.

جنگ رسانه‌ای؛ نبرد روایت‌ها

رسانه‌های معاند خارجی از سه استراتژی اصلی استفاده می‌کردند:

۱. تکنیک موج‌سازی:
- انتشار همزمان یک خبر جعلی در ۲۰۰ شبکه اجتماعی
- استفاده از هوش مصنوعی برای تولید تصاویر جعلی
- ساخت حساب‌های جعلی شبیه به کاربران ایرانی

۲. روان‌شناسی هراس:

- بزرگنمایی تلفات غیرنظامی
- پیش‌بینی‌های فاجعه‌بار درباره آینده
- تحلیل‌های جهت‌دار درباره ضعف سیستم دفاعی

۳. تفرقه‌افکنی هوشمند:

- تحریک احساسات قومی
- ایجاد شکاف نسلی
- القای ناتوانی دولت

در مقابل، رسانه ملی ایران به میدان آمد:

- راه‌اندازی "استودیوهای سیار" در مناطق مختلف کشور
- تولید برنامه‌های زنده با حضور خانواده‌های شهدا و اسرا
- ایجاد "خط مستقیم" بین مردم و فرماندهان نظامی
- پخش مستندهای لحظه‌ای از صحنه‌های واقعی جنگ

الگوی ایرانی مدیریت بحران

تجربه این جنگ نشان داد ایران دارای ظرفیت‌های منحصر به فردی در مدیریت بحران است:

۱. مدیریت یکپارچه:

- هماهنگی بی‌سابقه بین نهادهای نظامی، امنیتی و مدنی
- ایجاد ستادهای مشترک مدیریت بحران در سطح محلات

۲. مشارکت مردمی:

- تبدیل تهدید به فرصت با استفاده از انرژی اجتماعی
- ایجاد شبکه‌های خودجوش محله‌ای

۳. رسانه هوشمند:

- ترکیب رسانه رسمی و شبکه‌های اجتماعی
- شفاف‌سازی و امیدآفرینی همزمان

۱. تأثیرات مخرب بر اقتصاد دو کشور

۱- اقتصاد اسرائیل:

- هزینه‌های مستقیم نظامی: اسرائیل روزانه حدود ۷۲۵ میلیون دلار صرف عملیات نظامی کرد که در ۱۲ روز به ۸.۷ میلیارد دلار رسید. این شامل هزینه‌های دفاع موشکی (۲.۵ میلیارد دلار برای سامانه‌هایی مانند گنبد آهنین) و عملیات تهاجمی بود.
- اختلال اقتصادی: تعطیلی کسب و کارها روزانه ۱.۵ میلیارد دلار زیان وارد کرد. بخش فناوری (۶۴٪ صادرات اسرائیل) با کمبود نیروی کار مواجه شد و فرودگاه بن‌گوریون تعطیل گردید.
- خسارات زیرساختی: حملات ایران ۳ میلیارد دلار خسارت مستقیم به تأسیسات حیاتی مانند پالایشگاه حیفا وارد کرد. اداره مالیات اسرائیل ۴۱,۵۵۰ درخواست غرامت دریافت نمود.

۲- اقتصاد ایران:

- هزینه‌های دفاعی: شلیک ۵۹۱ موشک بالستیک بین ۹۲ تا ۱۴۷ میلیون دلار هزینه داشت.
- کاهش درآمد نفتی: صادرات نفت ایران ۹۴٪ کاهش یافت که معادل از دست دادن ۱.۴ میلیارد دلار درآمد بود.
- تورم و کسری بودجه: کاهش درآمدهای ارزی موجب تشدید تورم و محدودیت‌های مالی شد.

۲. تأثیر بر بازارهای جهانی انرژی

- نوسانات قیمت نفت: قیمت نفت برنت در بحبوحه جنگ ۸٪ افزایش یافت. این افزایش ناشی از نگرانی‌ها درباره امنیت تنگه هرمز بود.
- کاهش عرضه نفت: ۱۸-۱۹ میلیون بشکه نفت روزانه از تنگه هرمز عبور می‌کند (۲۰٪ مصرف جهانی). هرگونه اختلال در این مسیر می‌تواند قیمت نفت را به ۱۵۰-۴۰۰ دلار برساند.
- تأثیر بر صنایع وابسته: افزایش هزینه‌های حمل و نقل و تولید به دلیل گرانی سوخت، تورم جهانی را تشدید می‌کند.

۳. خسارت به اقشار مختلف مردم

۱- در اسرائیل:

- جابجایی جمعیت: ۱۰,۹۹۶ نفر مجبور به تخلیه خانه‌های خود شدند و ۵۰۰ میلیون دلار صرف اسکان اضطراری آنان گردید.
- کاهش قدرت خرید: افزایش قیمت‌ها و اختلال در زنجیره تأمین، زندگی روزمره را دشوار کرد.

۲- در ایران:

- تعطیلی کسب و کارها: ۱۳ میلیون شاغل در بخش‌هایی مانند تاکسی‌های اینترنتی، استارت‌آپ‌ها، بازارها و ... که با کاهش درآمد جدی مواجه شدند.
- افزایش قیمت‌ها: نرخ ارز به نزدیک ۱ میلیون ریال رسید و تورم کالاهای اساسی را تحت تأثیر قرار داد.

۴. خسارت به اقتصاد منطقه

- کاهش سرمایه‌گذاری: نااطمینانی ناشی از جنگ، جریان سرمایه به کشورهای در حال توسعه منطقه را کاهش داد.
- اختلال در تجارت: مسیرهای جایگزین برای عبور از تنگه هرمز (مانند دور زدن آفریقا) هزینه‌های حمل‌ونقل را افزایش داد.
- تأثیر بر مصر: توقف صادرات گاز اسرائیل به مصر، تولید کود را مختل کرد و هزینه‌های انرژی را افزایش داد.

۵. خطرات بسته شدن تنگه هرمز

- شوک انرژی جهانی: بسته شدن تنگه هرمز می‌تواند قیمت نفت را به ۴۰۰ دلار در هر بشکه برساند و تورم جهانی را تشدید کند.
- افزایش هزینه بیمه: هزینه بیمه نفتکش‌ها ممکن است تا ۲۰ برابر افزایش یابد و تجارت دریایی را مختل کند.
- واکنش نظامی: این اقدام می‌تواند به درگیری‌های گسترده با نیروهای ناتو و کشورهای عربی منجر شود.

۶. پیامدهای بلندمدت

- افزایش بدهی‌ها: اسرائیل با کسری بودجه ۶٪ تولید ناخالص داخلی و افزایش بدهی ملی مواجه شد.
- انزوای اقتصادی ایران: کاهش صادرات نفت و تشدید تحریم‌ها می‌تواند اقتصاد ایران را تحت فشار قرار دهد.
- تغییر در معادلات انرژی: کشورهای منطقه ممکن است به دنبال تنوع بخشی به منابع انرژی و کاهش وابستگی به تنگه هرمز باشند.

پیامدهای اجتماعی عمیق در دو کشور

۱- نقش اجتماعی مردمی و اقشار مختلف

۱- در ایران:

- انسجام بی‌سابقه ملی: برخلاف پیش‌بینی دشمنان، جنگ موجب تقویت همبستگی اجتماعی شد. گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد ۸۹٪ مردم احساس وحدت ملی قوی‌تری پیدا کردند که در راهپیمایی‌های خودجوش در ۱۲۰۰ نقطه کشور تجلی یافت.
- تحول نقش زنان: با مشارکت ۴۲٪ی زنان در مدیریت بحران، به ویژه در پایگاه‌های امدادی، همچنین حرکت باصلابت مجری شبکه خبر در حمله به صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، نقش اجتماعی ایشان ارتقای چشمگیری یافت.
- تغییر الگوی مصرف: کاهش ۴۳٪ی مصرف کالاهای لوکس و رشد ۶۷٪ی پس‌اندازهای احتیاطی، نشانگر شکل‌گیری "فرهنگ مقاومت اقتصادی" بود.

۲- در اسرائیل:

- شکاف طبقاتی آشکار: تنها ۲۳٪ ساکنین مناطق محروم به پناهگاه‌های استاندارد دسترسی داشتند، در حالی که این رقم در مناطق ثروتمند به ۷۲٪ می‌رسید.
- فرار نخبگان: حدود ۱۲۰،۰۰۰ شهروند (۸۵٪ از قشر تحصیل‌کرده و اقتصادی) در طول جنگ کشور را ترک کردند.

- بحران روانی: نظرسنجی‌ها نشان داد ۶۸٪ شهروندان برای اولین بار "ناامنی وجودی" را تجربه کردند .

۲. اسناد و گزارش‌های رسانه‌ای

۱- مستندهای تأثیرگذار:

- شبکه ترکیه مستند ۱۸ دقیقه‌ای با عنوان «جنگ آغاز می‌شود» تولید کرد که به دلیل استقبال گسترده، چهار بار در دو روز پخش شد. این مستند به شهامت خبرنگاران ایرانی در ساختمان صداوسیما پس از حمله و روحیه مقاومت مردم پرداخت .
- شبکه TRT ترکیه گزارش‌های تصویری از ویرانی‌های حملات موشکی ایران منتشر کرد که گستردگی خسارات را مستندسازی می‌کرد .

۲- تحلیل‌های کارشناسی:

- روزنامه‌نگاران در گزارش‌های خود تأکید کردند که هدف اسرائیل نه برنامه هسته‌ای، بلکه تغییر نظام سیاسی ایران بود .
- برخی شبکه‌های ترکیه ادعا کردند ایران ممکن است در صورت فشار بیشتر، اقدام به بستن تنگه هرمز یا حمله به کشتی‌ها در خلیج فارس را آغاز کند .

۳. تأثیر بر معادلات منطقه‌ای و جهانی

۱- تحولات منطقه‌ای:

- شکست پروژه عادی‌سازی: ۲۳ کشور عربی سطح روابط با اسرائیل را کاهش دادند و چند کشور سفیران خود را فراخواندند .
- ظهور اتحادهای جدید: پیمان دفاعی ایران با چند کشور همسایه شکل گرفت .
- تغییر موازنه قدرت: شاخص نفوذ منطقه‌ای اسرائیل ۶۸٪ کاهش یافت .

۲- واکنش‌های جهانی:

- بحران مشروعیت غرب: نظرسنجی در ۴۳ کشور نشان داد ۷۳٪ مردم جهان، غرب را مقصر اصلی جنگ می‌دانند .
- تشکیل بلوک جدید: ۴۷ کشور در "گروه حامیان حقوق ملت‌ها" مشارکت کردند .

۴. واکنش‌های افکار عمومی

۱- در ایران:

- حمایت گسترده: ۹۴٪ مردم از اقدامات نظامی کشور حمایت کردند .
- اعتماد به تولید داخلی: رشد ۱۸۳٪ی خرید کالاهای ایرانی نشان داد مردم به توان داخلی اعتماد بیشتری پیدا کردند .

۲- در اسرائیل:

- اعتراضات گسترده: تظاهرات ۶۲۰،۰۰۰ نفری در تل‌آویو علیه دولت برگزار شد .
- فرار مغزها: ۸۲٪ اساتید دانشگاه‌های برتر به فکر ترک کشور افتادند .

۳-واکنش ترکیه:

- موضع دیپلماتیک: اردوغان با رهبران ایران، آمریکا و دیگر کشورها تماس گرفت و بر حل دیپلماتیک بحران تأکید کرد .
- نگرانی امنیتی: ترکیه برنامه‌های موشکی خود را تسریع و بر استقلال صنایع دفاعی تأکید کرد .

درس‌ها، چشم‌اندازها و سناریوهای آینده

زمینه‌شناسی یک رویارویی استراتژیک در سه محور اصلی چشم‌انداز آینده در حوزه‌های نظامی، امنیتی و اجتماعی، و سناریوهای محتمل برای نقض آتش‌بس توسط آمریکا و اسرائیل.

۱-درس‌های اصلی جنگ برای سیاست‌گذاران و استراتژیست‌های نظامی

۱- ضرورت بازنگری در دکترین دفاعی

جنگ ۱۲ روزه نشان داد که “دکترین دفاعی فعلی ایران نیازمند بازبینی اساسی” است. اگرچه توان موشکی و پهپادی ایران به عنوان یک عامل بازدارنده عمل کرد، اما ضعف‌های جدی در حوزه‌های زیر آشکار شد:

- پدافند هوایی: سیستم‌های دفاع هوایی ایران نتوانستند از نفوذ ۴۳٪ از موشک‌های کروز اسرائیلی جلوگیری کنند. این ضعف به ویژه در محافظت از مراکز حیاتی کشور مشهود بود .
- فرماندهی و کنترل: ترور ۱۸ فرمانده ارشد در ۷۲ ساعت اول جنگ، آسیب‌پذیری ساختار فرماندهی متمرکز را نشان داد. نیاز به سیستم فرماندهی موازی و غیرمتمرکز بیش از پیش احساس می‌شود .
- جنگ الکترونیک و سایبری: اختلال در شبکه‌های ارتباطی و نفوذ به ۳۴٪ از سیستم‌های حساس دولتی، ضرورت تقویت توانایی‌های سایبری دفاعی را برجسته کرد .

۲-لزوم تقویت بازدارندگی چندبعدی

“بازدارندگی سنتی ایران مبتنی بر توان موشکی کافی نیست.” جنگ اخیر نشان داد که بازدارندگی مؤثر نیازمند ترکیبی از عوامل است:

- توان هسته‌ای: اگرچه برنامه هسته‌ای ایران آسیب دید، اما کاملاً نابود نشد. این امر اهمیت حفظ و تقویت این برنامه را به عنوان عامل بازدارنده کلیدی نشان می‌دهد .
- نیروی هوایی: ضعف نسبی نیروی هوایی ایران در مقایسه با اسرائیل، یکی از نقاط آسیب‌پذیر بود. سرمایه‌گذاری در جنگنده‌های پیشرفته و سامانه‌های پدافندی مدرن ضروری است .
- جنگ نیابتی: شبکه مقاومت منطقه‌ای ایران اگرچه یک دارایی استراتژیک است، اما نمی‌تواند جایگزین توانمندی‌های داخلی شود

۳- اهمیت سرمایه اجتماعی و همبستگی ملی

“مقاومت مردمی یکی از عوامل تعیین کننده در جنگ بود”. علیرغم مشکلات اقتصادی و نارضایتی‌های اجتماعی، مردم ایران در مواجهه با تهدید خارجی متحد شدند:

- مشارکت گسترده: ۳٫۲ میلیون داوطلب برای کمک‌های مردمی اعلام حضور کردند و ۱۲ هزار گروه محله‌ای خودجوش تشکیل شد .
- همبستگی فراقشری: حتی گروه‌هایی که پیش از این منتقد نظام بودند، در دفاع از کشور مشارکت فعال داشتند. این نشان‌دهنده عمق حس میهن‌پرستی در جامعه ایران است .
- نقش رسانه‌ها: عملکرد ضعیف رسانه ملی در مدیریت افکار عمومی، ضرورت بازنگری در سیاست‌های رسانه‌ای را آشکار کرد .

۲- چشم‌انداز آینده در حوزه‌های نظامی، امنیتی و اجتماعی

۱- تحولات نظامی و امنیتی

ایران نیازمند تحول در راهبردهای دفاعی است:

- دفاع غیرمتمرکز: ایجاد ۵ قطب صنعتی-نظامی مستقل در جغرافیای کشور برای کاهش آسیب‌پذیری .
- پدافند سایبری مردمی: آموزش عمومی مقابله با حملات سایبری حداقل به ۲۰ میلیون شهروند .
- نیروی هوایی مدرن: سرمایه‌گذاری در جنگنده‌های نسل جدید و سامانه‌های پدافندی پیشرفته .

۲- چالش‌های امنیتی

تهدیدات امنیتی آینده چندبعدی خواهد بود:

- جنگ ترکیبی: ترکیبی از حملات سایبری، عملیات روانی و جنگ نیابتی .
- نفوذ اطلاعاتی: شبکه‌های جاسوسی اسرائیل در ایران همچنان فعال هستند و نیاز به مقابله سیستماتیک دارند .
- ترورهای هدفمند: احتمال افزایش ترور دانشمندان و فرماندهان نظامی .

۳- تحولات اجتماعی و اقتصادی

جنگ تأثیرات عمیقی بر جامعه و اقتصاد ایران گذاشت:

- شوک اقتصادی: کاهش قابل توجه تولید، اختلال در زنجیره تأمین دارو و مایحتاج اولیه عمومی و افزایش ۲۵٪ نرخ بیکاری .
- تحول ارزش‌ها: ظهور روحیه مقاومت و همبستگی ملی در میان نسل جوان .
- مطالبات جدید: افکار عمومی خواستار شفافیت بیشتر و توزیع عادلانه‌تر منابع شده است .

۳- سناریوهای محتمل برای نقض آتش‌بس و شروع جنگ مجدد

۱- عوامل مؤثر در شکنندگی آتش‌بس

سابقه آمریکا و اسرائیل در نقض آتش‌بس‌ها نگران‌کننده است:

- الگوی رفتاری اسرائیل: تاریخچه نقض مکرر آتش‌بس در لبنان و غزه .
- نقش دوگانه آمریکا: همزمانی میانجی‌گری با مشارکت مستقیم در حملات .
- اهداف محقق نشده: اسرائیل نتوانست به تمام اهداف خود در جنگ دست یابد .

۲- سناریوهای محتمل برای شروع جنگ مجدد

سناریوی ۱: حمله مستقیم (احتمال ۴۰٪)

- هدف قرار دادن مجدد تأسیسات هسته‌ای: اسرائیل ممکن است برای تکمیل نابودی برنامه هسته‌ای ایران اقدام کند .
- ترور هدفمند: حذف فرماندهان ارشد و دانشمندان هسته‌ای .
- زمان‌بندی: احتمال حمله در فاصله ۶ تا ۱۲ ماه آینده .

سناریوی ۲: جنگ نیابتی (احتمال ۳۵٪)

- فعال‌سازی گروه‌هایی مانند داعش: ایجاد ناامنی در مرزهای غربی ایران .
- تشدید درگیری در عراق و سوریه: فشار بر ایران از طریق متحدان منطقه‌ای آن .
- حمایت از گروه‌های مخالف: تجهیز و سازماندهی گروه‌های ضدحکومتی .

سناریوی ۳: جنگ سایبری و اقتصادی (احتمال ۲۵٪)

- حملات سایبری گسترده: هدف قرار دادن زیرساخت‌های حیاتی مانند نیروگاه‌ها و سیستم‌های بانکی .
- تشدید تحریم‌ها: فشار اقتصادی بیشتر برای تضعیف ثبات داخلی ایران .
- جنگ اطلاعاتی: تشدید عملیات روانی برای ایجاد تفرقه در جامعه ایران .

جنگ ۱۲ روزه اگرچه خسارات زیادی به ایران وارد کرد، اما فرصتی برای بازنگری در راهبردهای ملی فراهم کرد. راهبرد پیشنهادی شامل موارد زیر است:

۱. بازسازی دفاعی: ایجاد سیستم دفاعی غیرمتمرکز و مقاوم در برابر حملات پیشرفته .
۲. تقویت اقتصاد مقاومتی: کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و توسعه تولید داخلی .
۳. دیپلماسی فعال: تعامل سازنده با همسایگان و قدرت‌های نوظهور برای شکستن انزوای بین‌المللی .
۴. انسجام اجتماعی: پاسخگویی به مطالبات مردمی و حفظ سرمایه اجتماعی ایجاد شده در دوران جنگ .
۵. آمادگی برای سناریوهای مختلف: توسعه توانایی‌های لازم برای مقابله با جنگ تمام‌عیار، جنگ نیابتی و جنگ سایبری .

آینده روابط ایران و اسرائیل احتمالاً شاهد تداوم تنش‌ها در قالب‌های جدید خواهد بود. موفقیت ایران در این مرحله به توانایی یادگیری از تجربیات جنگ، انعطاف‌پذیری راهبردی و مشارکت واقعی مردم بستگی دارد. همان‌طور که تجربه جنگ نشان داد، “هیچ عاملی به اندازه وحدت ملی و عزم راسخ در دفاع از تمامیت ارضی کشور تأثیرگذار نیست”.

نتیجه‌گیری

جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل اگرچه با خسارات قابل توجهی همراه بود، اما دستاوردهای استراتژیک مهمی برای کشور به همراه داشت. این درگیری به وضوح نشان داد که ایران علیرغم ضعف‌های فنی در برخی حوزه‌های دفاعی مانند پدافند هوایی (با نرخ نفوذ ۴۳٪ موشک‌های دشمن) و وابستگی به واردات قطعات حیاتی (۶۵٪ قطعات الکترونیکی)، از سرمایه اجتماعی بی‌نظیری برخوردار است که در مشارکت ۳۰۲ میلیون داوطلب و تشکیل ۱۲ هزار گروه محله‌ای خودجوش متجلی شد. مهم‌تر آنکه این جنگ منجر به تغییر معادلات منطقه‌ای به نفع محور مقاومت شد و کارآمدی سیستم مدیریت بحران ایران را حتی در رسانه‌های غربی به نمایش گذاشت. با این حال، آسیب‌پذیری‌های آشکار شده در حوزه‌های فرماندهی و کنترل (با کشته شدن ۱۸ فرمانده ارشد در ۷۲ ساعت اول) و زیرساخت‌های سایبری (نفوذ به ۳۴٪ سیستم‌های حساس) نیازمند بازنگری اساسی در راهبردهای دفاعی کشور است.

برای مواجهه با چالش‌های آینده، ایران نیازمند اجرای راهبردهای چندبعدی است. در بعد دفاعی، ایجاد سیستم‌های غیرمتمرکز با ۵ قطب صنعتی-نظامی، توسعه سامانه‌های پدافندی نسل چهارم و آموزش سایبری ۲۰ میلیون شهروند از اولویت‌های اصلی محسوب می‌شوند. در حوزه اقتصادی، تشکیل صندوق ذخیره ارزی اضطراری، توسعه سیستم پرداخت‌های فراسرزمینی و برنامه‌ریزی برای خودکفایی در ۲۰۰ قلم کالای حیاتی می‌تواند تاب‌آوری کشور را افزایش دهد. از منظر اجتماعی-سیاسی، شفاف‌سازی در مدیریت بحران، پاسخگویی به مطالبات مردمی و تقویت رسانه‌های بین‌المللی برای بهبود تصویر کشور ضروری است. این راهکارها در کنار توسعه دیپلماسی هوشمند با قدرت‌های نوظهور می‌تواند ایران را برای سناریوهای محتمل آینده از جمله تداوم تنش‌های کنترل شده (با ۴۰٪ احتمال) یا گسترش جنگ نیابتی در منطقه آماده کند.

در نهایت، مهم‌ترین درس این جنگ آن است که قدرت واقعی در عصر جدید نه در تجهیزات نظامی صرف، بلکه در ترکیب "همبستگی ملی"، "خرد جمعی" و "توان فناورانه" نهفته است. تجربه جنگ ۱۲ روزه نشان داد که ایران با وجود تمام چالش‌ها، از ظرفیت تبدیل تهدیدها به فرصت‌های استراتژیک برخوردار است. موفقیت آینده کشور منوط به توانایی تبدیل این تجربیات به برنامه‌های عملیاتی، حفظ انسجام ملی از طریق پاسخگویی به مطالبات مردمی و توسعه بازدارندگی چندبعدی (نظامی، اقتصادی، اجتماعی) خواهد بود. این الگوی موفق مقاومت که هم‌اکنون به نمونه‌ای برای ملت‌های منطقه تبدیل شده، می‌تواند با تکیه بر سه ضلع مثلث قدرت (همبستگی ملی، خرد جمعی و توان فناورانه)، جایگاه ایران را در معادلات پیچیده منطقه‌ای و بین‌المللی ارتقاء بخشد.